

عبور از صد سال سفر ادبی سردار ملی

می‌گویند «شهر تبریز از حرارت گر بسوزد عیب نیست - چونکه از هر خانه‌اش صد آفتاب آید برون»، بی‌شک یکی از این خورشیدهای درخشان، ستارخان نام دارد؛ مردی که یکصد سال قبل در چنین روزی دنیا و مردمش را بدرود گفت.



می‌گویند «شهر تبریز از حرارت گر بسوزد عیب نیست - چونکه از هر خانه‌اش صد آفتاب آید برون»، بی‌شک یکی از این خورشیدهای درخشان، ستارخان نام دارد؛ مردی که یکصد سال قبل در چنین روزی دنیا و مردمش را بدرود گفت.

به گزاری خبرگزاری فارس از تبریز، یکصد سال قبل در چنین روزی در روزهای انتهایی آبان ماهی سرد و نمناک، پیکر سردار ملی بر دستان غمبار آدم‌هایی قانون‌مدار، حق‌دوست و مشروطه‌خواه تا باغ طوطی همراهی شد تا در خانه ابدی‌اش پس از سال‌ها بی‌قراری، قرار گیرد.

ما امروز یکصد سال پس از سفر همیشگی سرداری که دوستش داشتند و داریم، او را با یادی و دعای خیری همراهی می‌کنیم تا یادمان بماند او سرداری است برای همیشه تاریخ و یادش همیشه جاودان و سرشار از احترام باقی خواهد ماند.

اینجا دیار اوست، سرزمینی که سردار در آن نفس کشیده و با غم دوری‌اش چشم بر هم نهاده است. یاد «ستارخان»، سردار ملی همیشه با احترامی بی‌مانند از دهان مردم این مرز و بوم خارج می‌شود و یادمان نخواهد رفت اگر تلاش او و همراهی قانون‌باوران و یاران مشروطه‌خواه این قیام نبود، چگونه امروز شاهد استقرار قانون در این سرزمین پهناور می‌بودیم.

نقطه خاتمه تاریخ بر این داستان، 99 سال قبل یعنی 25 آبان 1293 خورشیدی در باغ طوطی حضرت عبدالعظیم حسنی است، گورستانی آرام‌تر از مردان و زنانی که زیر تخته سنگ‌هایش خوابیده‌اند و سنگی سیاه که «سردار ملی» را به سادگی در بر گرفته و سال‌هاست از او، خاطره آزادمردی تنها را در ذهن‌ها زنده نگاه داشته.

فرزندان ما و نسل بعدی اما چگونه این یاد و حرمت را استمرار خواهند بخشید، وقتی تبریز یکصد سال پس از سفر ابدی سردار ملی همچون روزهای دیگر صبح از خواب برخاسته و دنبال زندگی روزمره‌اش است.

دردا که جز به مرگ نسجند قدر مرد

در یکصدمین سالگرد سفر ابدی ستارخان شایسته است یادش را زنده نگاه داریم، شایسته‌تر از همیشه.

کاری که با وجود تلاش و نامه‌نگاری‌های خانواده «سردار ملی» تا سالروز درگذشت ستارخان به ثمره مطلوب و در خور توجهی نائل نشده است.

اعلام فراخوان همایشی با عنوان «مجاهدان تبریز، ستارخان و انقلاب مشروطیت ایران» شاید تنها اتفاقی باشد که شهر تبریز همزمان با یکصدمین سالگرد درگذشت سردار نام آشنا و بلند آوازه‌اش شاهد آن است؛ همایشی که گفته می‌شود 17 دی ماه مردم تبریز شاهد برپایی‌اش هستند هرچند شایسته بود در سالروز درگذشت ستارخان به ثمر بنشیند و شهر تبریز را از سکوت و بی‌خبری این مناسبت مهم خارج کند.

«سامی سردار ملی» نواده پرتلاش، آرام و محترم ستارخان، سال قبل در نامه‌ای به رئیس‌جمهور یکصدمین سالگرد ستارخان را به عنوان شخصیتی جریان‌ساز و مهم در تاریخ کشور یادآور شده بود و ابراز امیدواری کرده بود تا این مناسبت آنچنان در خور شان نام و یاد سردار ملی است، برگزار شود.

سالگردی که با برگزاری مراسمی در تالار شهید مدرس مجلس شورای اسلامی، قرائت متن رئیس مجلس و با حضور حجت‌الاسلام سید محمود دعایی سرپرست موسسه اطلاعات، دکتر محمد رجبی رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دکتر منصور حقیقت‌پور عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، دکتر رحیم شهرتی‌فر فرماندار تبریز، دکتر محمدرضا پورمحمدی رئیس دانشگاه تبریز همچنین نمایندگان مجلس برگزار شد و به رونمایی از تندیس ستارخان در موزه مجلس شورای اسلامی انجامید.

این اقدام اگرچه تلاشی در خصوص بازشناسی ابعادی مغفول مانده از تلاش‌های ستارخان و دیگر مشروطه‌خواهان محسوب می‌شود، آنگونه که رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی گفته به دلیل اثرگذاری گسترده افرادی همچون ستارخان، این بزرگان محدود به یک ملت، استان و شهر نمی‌شوند.

صد حیف که این فرصت به عنوان زمانی مغتنم برای بازشناسی و تامل در بنیان‌ها یکی از مهمترین مبارزات مدنی و قانون‌گرایانه مردم کشور که با همراهی توده‌های مختلف همراه شده بود، از دست رفت و باید روزی دیگر را بجوییم که خاطره سردار ملی و ده‌ها ستاره درخشان آسمان کشورمان را گرامی بداریم.

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی / دست خود ز جان شستم از برای آزادی

هرچند مردم دیارمان نه امروز و نه هیچ زمان دیگری مردمی را از یاد نمی‌برند که نامش «ستار» بود، «ستارخان» صدایش می‌کردند اما برایمان سرداری بود برای همیشه تاریخ ...

مرد مهربانی که نامش با عظمت و مردانگی گره خورده و در دورانی که هوا بس ناجوانمردانه سرد بود، او کمر بست تا هفت دولت را زیر بیرق ایران ببیند و زیر بیرق هیچ کشور بیگانه‌ای نرود.

.....

نگارنده: فرینوش اکبرزاده